

«شرق» در گفت وگو با کارشناسان ضمن بازخوانی شرایط اقتصادی و اجتماعی اژدهای زرد، سناریوی سیاسی مقایسه مردم ایران باچین را بررسی کرد

تحریرف چین

عبدالرحمن فتح‌الهی: «جمعیت قانع چینی را که به یکی، دو وعده غذا در شبانه‌روز اکتفا می‌کنند، ما ندانیم!» همین تک‌جمله غلامرضا مصباحی مقدم از چهره‌های اصولگرایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو جامعه روحانیت این روزها به یکی از پربحث‌ترین موضوعات در فضای سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده و بیشتر واکنش‌ها که رویکردی انتقادی و اعتراضی دارند، با بازخوانی دیگر مواضع او یا سخنان مشابهی از جانب دیگر افراد مانند احمد علم‌الهدی، احمد جنتی، علی اکبر ولایتی و… عمو قانع بابی برای طرح موضوعات جدی‌تری در باب نقد به سیاست خارجی و اقتصاد کشور در مقام قیاس با چینی‌ها شده است. پیش از این احمد جنتی می‌گفت «چه اشکال دارد مردم روزی یک وعده غذا بخورند؟! یا سیداحمد علم‌الهدی گفته بود «به‌جای مرغ چیز دیگر بخورید، مگر اشکنه بیاز داغ یادتان رفته، مگر قرار است برنامه همان باشد که قبلا بوده است؟!». ولایتی هم که از بمنی‌ها شاهد مثال آورد و عنوان کرده بود «بمنی‌ها به جای لباس، لنگ می‌پوشند و نان خشک می‌خورند» یا ادعای دیگری از زبان مصباحی مقدم که توپ تورم را به زمین مردم انداخته و عنوان کرده است «مردم انتظار تورم بالاتر را دارند. خود این امر عامل افزایش تورم می‌شود». همه این دست موضع‌گیری‌ها که تنها به بخشی از آن اشاره شد، عملا به موتور محرکه انتقادهای جدی بدل شده و بیشتر رسانه‌ها و فعالان اقتصادی و سیاسی را دست به قلم یا دست به توییت کرده است.

عبدالناصر همتی، رئیس اسبق بانک مرکزی، به اظهارات مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص واکنش نشان داد و در توییتی نوشت: «تبدیل چین فقیر دهه ۶۰ به دومین اقتصاد جهان، به دلیل دو وعده غذایی مردمش نبود! شیائوپینگ که در ۱۹۷۸ به قدرت رسید، لازمه پیشرفت چین را در تحقق رشد اقتصادی دید. اصلاحات اقتصادی، سیاست درهای باز و اولویت‌دادن به روابط وسیع خارجی موجب ورود سرمایه و تکنولوژی و رشد شتابان و پایدار شد». عباس عبیدی نیز در یادداشتی به مصباحی مقدم و علم‌الهدی توصیه سکوت می‌کند تا این دست سخنان، نمکی به زخم مردم نباشد. این فعال رسانه‌ای در بخشی از نوشتار خود تأکید کرد: «درباره اظهارات برخی از ائمه جمعه چه موضعی می‌توان گرفت؟ درهر حال نمک به زخم مردم نباید. اگر نمی‌توانید یا نمی‌خواهید باری را از دوش مردم بردارید، حداقل بار بیشتری بر بار گران آنان اضافه نکنید.»

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین نیز در واکنش توییت‌ری به اظهارات عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت: «جناب آقای مصباحی مقدم! احتراماً به اطلاع می‌رسانند وعده غذایی رایج در چین چهار وعده است.» عبدالکریم حسین‌زاده، نماینده مجلس دهم نیز دست به توییت شد و نوشت: «آقای مصباحی مقدم اگر قناعت عامل توسعه چین است، چرا همین جامعه در دوره ۳۰ساله ماو آن‌قدر مفلوک شد؟ چرا نمی‌گویید اولین قدم دنگ شیائوپینگ برای شروع توسعه چین تنش‌زدایی با دنیا بود؟» سایت عصر ایران هم در یادداشتی نوشت: «اگر در چین ظرف چهار دهه ۸۰۰ میلیون نفر از زیر خط فقر مطلق بیرون آمدند، نتیجه غلبه ادبیات توسعه بر شعارگرایی بود و اگر در ایران ۲۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند که یک‌سوم آنها در همین یک دهه اخیر فقیر شده‌اند، به علت غلبه شعارگرایی بر ادبیات توسعه بوده است.» سایت مذکور در مطلب دیگری هم خطاب به مصباحی مقدم نوشت: «کاش (مصباحی مقدم) بگویند دقیقا چی را باید کمتر بخوریم؟ درست است که احمدی‌نژادی نیست که به‌صراحت پاسخ دهد ولی هم به اقتضای داعیه اقتصاددانی و هم لباسی که بر تن دارد، باید با احتیاط بیشتر صحبت کند. ضمن اینکه خیلی‌ها می‌خواهند بدانند خودشان دو وعده‌ای‌اند یا سه‌وعده‌ای؟»

در دیگر واکنش‌های مجازی بیشتر تمرکز بر فشار این روزها به مردم بود. در یک نمونه عنوان شد که «کمبود برق داریم مردم شش صبح سر کار بروند، کمبود گاز داریم مردم لباس گرم بپوشند، حقوق کفاف نمی‌دهد مردم دو وعده بخورند.» یا در مثال دیگری گفته بودند: «مردم از مسئولان بابت خوردن غذا عذرخواهی کنند! یک عذرخواهی هم بابت غذاخوردن به حضرات انقلابی بدھکار شدید. بماند اینکه معلوم نیست سندن اینکه مردم چین روزی دو وعده غذا می‌خورند و به همین دلیل توسعه یافتند، کجاست؟». نظیر این دست موضع‌گیری‌ها در محافل رسانه‌ای و مجازی کم نیست که می‌شود درباره آنها گفت ظاهرا دانسته یا نادانسته یک چین تحریف‌شده را ارائه می‌دهند. بر همین اساس، ضرورت یک بررسی عمیق‌تر از شرایط اقتصادی و سیاست خارجی چین و تطوری که این کشور از سر گذرانده تا به نقطه کنونی رسیده است و قیاس آن با شرایط فعلی ایران، دوچندان جلوه می‌کند.

قیاس با روزهای سخت

اسماعیل بشری، پژوهشگر ارشد گروه خلع سلاح مرکز تحقیقات استراتژیک و کارشناس مسائل شبه‌جزیره کره و آسیای جنوب شرقی، در گفت‌وگو با «شرق» با نقبی تاریخی به دوره‌های سپری‌شده چین، تأکید دارد که قیاس وعده‌های غذایی مردم چین با ایران صرفاً یک توهین است و بر این اساس یادآور می‌شود که موفقیت چینی‌ها به یک سیاست خارجی تنش‌زدایانه بازمی‌گردد که توانسته حتی با دشمنان راهبردی خود هم به همکاری‌های راهبردی استراتژیک برسد. آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با این کارشناس مسائل چین است که سعی دارد از منظری آسیب‌شناسانه به موضوع ورود کند.

◆ **غلامرضا مصباحی مقدم اخیراً در گفت‌وگویی عنوان کرده مردم چین به خوردن دو وعده غذا در روز قناعت می‌کنند که به زعم او عامل رشد، پیشرفت و توسعه چین بوده است. با توجه به اینکه حضرت‌عالی از تحلیلگران و پژوهشگران مسائل آسیای جنوب شرقی و چین هستید و به حوزه اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک این کشور نیز آشنایی و وقوف دارید، تا چه حد ادعای مطرح‌شده از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟**

گفته‌های این آقا به‌هیچ‌وجه درباره چین امروز صحت ندارد. مردم چین اکنون در بهترین و مجلل‌ترین شهرها و ساختمان‌ها زندگی می‌کنند و انواع غذاها، خوراکی‌ها و پوشاک را هم در اختیار دارند. اما اگر بخواهیم برای این ادعای مصباحی مقدم تحلیلی ارائه دهیم، می‌توان گفت این توهین به مردم ایران است؛ چون احتمالاً ایشان ایران را با دوره‌های قدیمی چین مقایسه کرده‌اند.

◆ **جناب بشری چگونه دوره دنگ شیائوپینگ عملاً چین امروز را به وجود آورد؟ برخی مقامات در کشور که اصرار به الگوبرداری از چینی‌ها دارند، باید نگاهی مانند دوره دنگ شیائوپینگ را پیاده کنند که توانست یک سیاست خارجی هوشمندانه و منقطع را پیاده کند؟**



◆ **چرا ایران امروز نمی‌تواند مدل دوره دنگ شیائوپینگ را اجرا کند؟**

چون مفهوم تنش‌زدایی، در کار سیاست خارجی ایران همواره با چالش‌های زیادی همراه بوده است.

◆ **حتی پس از تفاهات منطقه‌ای و آژانس بعد از اسفند ماه سال گذشته؟**

تنش‌زدایی این ماه‌ها متفاوت از راهبرد تنش‌زدایانه مسدل دوره دنگ شیائوپینگ است. دنگ شیائوپینگ در سطح راهبردی دست به تغییر سیاست خارجی زد و با همه کشورها راهبرد تنش‌زدایی را در پیش گرفت. دیگر هیچ‌گونه درگیری و تنش‌سی حتی با دشمنان استراتژیک چین مانند ایالات متحده آمریکا وجود نداشت. دیپلماسی پینگ‌پنگی بین چین و آمریکا در دوره کیسینجر باعث شد که واقعا سیاست خارجی چین یک نقطه عطف را طی کند تا جایی که ایران در همان زمان که پیرو و دنباله‌رو غرب بود، روابط رسمی خود را با چین آغاز کرد و چین در بازی‌های آسیایی به میزبانی ایران شرکت کرد. از سوی دیگر تمام مناسبات، تحرکات، تصمیمات و راهبردهای سیاست خارجی و دیپلماسی چین بر مبنای منافع و سود اقتصادی و تجاری تعریف شده که تا به امروز هم با قدرت ادامه دارد. شما به مسئله توافقات

و تنش‌زدایی‌های اخیر اشاره کردید. اتفاقاً چین به‌عنوان میانجیگر اصلی در احیای روابط ایران و عربستان یک نگاه اقتصادی برای این اقدام خود داشت و سعی کرد از طریق تنش‌زدایی بین تهران و ریاض مناسبات اقتصادی را متوجه خود کند. چین در هر نقطه و در هر جایی که با دشمنان جدی خود مانند آمریکا اختلاف داشت، آن را به صفر رساند و به جایش همکاری‌های جدیدی را به‌عنوان یک فرصت در دستور کار قرار داد تا به سرمایه‌گذاری‌های مشترک رسید.

◆ **به نکته مهم‌تری در سیاست خارجی چین بپردازیم. اکنون یک‌سال و نیم است که پوتین در کرداب جنگ اوکراین گرفتار شده؛ اما همین چند روز گذشته بود که آتوتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، به چین سفر کرد و با همتای چینی خود و همچنین با شی شیجین‌پینگ، رئیس‌جمهوری این کشور، هم دیدار کرد که نشان می‌دهد چین به‌مراتب هوشمندتر از مسکو است و با سیاست خارجی منقطع و در کرداب جنگ مشابهی مانند تایوان گرفتار نخواهد شد. بعد از درگیری‌های شدید دیپلماتیک در دوره ترامپ و بایدن، چطور چین به‌راحتی پذیرای وزیر امور خارجه آمریکا بود؟ پکن چگونه به این میزان از هوشمندی و انعطاف در سیاست خارجی رسیده است که درگیر سناریوی جنگ احتمالی تایوان مانند اوکراین نخواهد شد؟**

من بارها و بارها در گفت‌وگو با خود شما و دیگر رسانه‌ها عنوان کردم که چینی‌ها در عرصه سیاست خارجی یک کاسبکار حرفه‌ای هستند و هر چیزی را از منظر سود و زیان بررسی می‌کنند. به‌درستی عنوان کردید که پوتین به دلیل سوءمحاسبه نتوانست انعطاف و هوشمندی چین را داشته باشد و اکنون هم در باتلاق جنگ اوکراین گرفتار شده است؛ اما چینی‌ها با وجود تمام درگیری‌ها و تنش‌هایی که در دوره ترامپ و بایدن داشتند، به‌راحتی با انعطاف به سمت تعامل رفتند؛ چون چینی‌ها می‌دانند هرگونه تنش و درگیری در هر نقطه‌ای می‌تواند آسیب‌ها و خسارت‌های جدی به رشد اقتصادی چین بزند؛ بنابراین چینی‌ها هیچ‌گاه تنش را مقدم بر منافع اقتصادی نمی‌دانند. همین منافع اقتصادی دائماً به چینی‌ها گوشزد می‌کند و حتی تأکید و دیکته می‌کند که باید در هر مقطعی و در هر جایی و با هر کشوری فقط و فقط راهبرد تنش‌زدایی را در دستور کار قرار دهند؛ پس چین به موزات آنکه از خطوط قرمز خود در قبال تایوان و تمامیت ارضی چین بزرگ کوتاه نمی‌آید؛ اما هیچ‌گاه در تله و دام جنگ و تنش نظامی هم نخواهد افتاد تا مشابه پوتین و روسیه در باتلاق گرفتار شود. ◆ **به عقیده جامعه‌شناسان یک توافق نانوشته بین سخاتر کمونیستی چین و مردم این کشور وجود دارد که در ازای فضای بسته و محدود سیاسی و اجتماعی، دولت موظف به تأمین رفاه آنها شده است. اما در ایران مسئولان اجرایی این‌گونه عمل نمی‌کنند و اتفاقات رفتار آنان با مدل چین فرابندی ندارد. چرا؟**

چون همه خوبی‌ها و بدی‌های مدل چین را منعکس نمی‌کنند. هر آن چیزی را که به نفع آنها باشد، به عنوان الگوی چینی در مواضع خود مطرح می‌کنند. در ضمن من با بخشی از گفته شما مخالفم، اگرچه این مدل و توافق نانوشته بین حکومت کمونیستی چین و مردم این کشور وجود دارد که در ازای فضای بسته سیاسی و اجتماعی، قرار است دولت، رفاه و بهبود اقتصاد را برای مردم و جامعه چین فراهم کند. اما حداقل مدیران اجرایی چین در سبک زندگی مردن دخالتی ندارند. حکومت چین در مواردی مانند مسائل سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک ورود پیدا می‌کند. مثلاً آن چیزی که در سین‌کیانگ اتفاق می‌افتد بیشتر تلاش برای ایدئولوژی‌زدایی است. پس حکومت کمونیستی چین، هم رفاه را در اختیار مردم قرار داده است، هم آزادی‌های فردی و سبک زندگی مردم را هم به رسمیت شناخته و فقط با برخی خطوط قرمز سیاسی و امنیتی و انتقادهای شدید برخورد می‌کند.

برای رسیدن به الگوی چینی به ابزارهای آن نیاز داریم

سیدوحید کریمی هم در خوانشی مشابه معتقد است اگر مقامات و مسئولان مرتبط در گفته‌های خود به دنبال الگوبرداری از مدل چینی هستند باید ابزارها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن را فراهم کنند. به گفته این دیپلمات زمانی که شاهد یک شکاف و فاصله معنادار در حوزه اقتصادی، تجاری، نظامی، امنیتی و دیپلماتیک بین ایران و چین هستیم اساساً اشاره به وضعیت چین یک مدل تحلیلی غلط را به دست می‌دهد. این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل، سیاست خارجی چین را از این زاویه ارزیابی می‌کند. سیدوحید کریمی که خردادماه ۱۴۰۰ خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد کرده بود و نهایتاً رد صلاحیت شد، یک نگاه آسیب‌شناسانه هم به عملکرد دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم دارد که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید.

◆ **جناب کریمی با توجه به ادعای برخی مقامات مبنی بر مصرف دو وعده غذایی در چین و قناعت مردم این کشور به عنوان موتور توسعه، تا چه اندازه قیاس آن را با شرایط کنونی ایران درست می‌دانید؟**

به هیچ عنوان نمی‌توان این قیاس را درست دانست، چراکه باید برای قیاس دو کشور یک مدل تحلیلی ارائه کرد. نمی‌شود صرفاً بدون هیچ منطق و دلیلی یک کشور را با کشوری دیگر مقایسه کرد، آن هم دو کشوری که ظرفیت‌ها و فاصله معناداری در همه حوزه‌های اقتصادی، تجاری و به‌ویژه تولید و سرمایه‌گذاری خارجی دارند. چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و دیپلماتیک در جهان منشأ اثر است و ایران تا رسیدن به آن نقطه فاصله بسیار زیادی دارد. اینکه برخی افراد بخواهند با موضع‌گیری‌های بی‌منطق این دو کشور را با هم قیاس کنند صرفاً یک فرافکنی و فرار رو به جلو است.

◆ **برخی معتقدند موتور موفقیت چین با سیاست خارجی منقطع این کشور روشن شده است. آیا حضرت‌عالی چنین هوشمندی و انعطافی را در سیاست خارجی ایران متصورید؟**

اجازه دهید قبل از اینکه به سؤال اصلی شما بپردازم، این را عنوان کنم که هیچ آن‌گونه که برخی تصور دارند از سر هوشمندی دست به انعطاف در سیاست خارجی نمی‌زند، بلکه بیشتر از سر ترس دست به عصا است که سعی دارد یک سیاست خارجی منقطع را مشخصاً با ایالات متحده آمریکا داشته باشند. چین اگرچه یک قدرت یا ابرقدرت اقتصادی و تجاری است، اما بیشتر آن چیزی که چین را تبدیل به قدرت اقتصادی و تجاری کرده از همکاری مشترک و سرمایه‌گذاری آمریکا به دست آورده است. کافی است رئیس‌جمهور آمریکا و برخی شرکت‌ها روابط خود را با چینی‌ها قطع کنند یا ورود برخی اجناس چینی را ممنوع کنند، مطمئن باشید ضربه و لطمه جدی و جبران‌ناپذیری به اقتصاد چین وارد خواهد شد. آن هم در شرایطی که دو سال شیوع کرونا هم ضرباتی جدی وارد کرده است. به همین دلیل اگرچه سیاست خارجی چین همواره روی محور تنش‌زدایی بوده است اما این تنش‌زدایی گاهی از سر هوشمندی نبوده، بلکه توأمان از نوعی ترس هم سرچشمه می‌گیرد.

◆ **یعنی نوعی ناز و نیاز دیپلماتیک و اقتصادی!؟**

بله این ناز و نیاز اقتصادی و دیپلماتیک است که اکنون چینی‌ها را در یک سیاست خارجی منقطع قرار داده که گاهی از هوشمندی و گاهی از سر ترس است. اما به هر حال تنش‌زدایی چینی‌ها به سرمایه‌گذاری خارجی گسترده و رشد اقتصادی این کشور منجر شده است.

◆ **حضرت‌عالی جزء کسانی بودید که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ ثبت‌نام کردید که نهایت امر در خیل ردصلاحیت‌شده‌ها قرار گرفتید. با این وضعیت برخی از سخنان برای حمایت یا تطهیر عملکرد دولت سیزدهم در حوزه اقتصادی و معیشتی را تا چه‌اندازه کارساز می‌دانید؟ چگونه برخی از چین سخنی می‌گویند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند مانند سیاست خارجی چین یا اقتصاد این کشور عمل کنند؟**

بنیید برای رسیدن به یک آرزوی یا الگوبرداری از یک مدل باید ابزارها، توان ظرفیت و پتانسیل آن هم فراهم شود. قرار نیست که با چین چین گفتن ما هم مانند چین بشویم. باید همه ابزارها در عرصه سیاست خارجی، اقتصاد، تراز تجاری، سرمایه‌گذاری، مناسبات پولی، تولید، رفاه و… در کنار هم جمع شود تا بتوان از مدل چین سخن گفت. برخی ادعاها و سخنان صرفاً جنبه و کارکرد سیاسی دارند بدون آنکه یک خط تحلیلی درست پشت آن قرار داشته باشد. اجازه دهید فقط به این نکته در حوزه سیاست خارجی ورود کنم که دولت سیزدهم ما وجود آنکه از دیپلماسی منطقه‌ای قوی سخن می‌گوید، اما هنوز آن‌طورکه باید مناسبات خود را با برخی از همسایه‌ها قوی نکرده است. در صورتی که چینی‌ها همواره به دنبال تنش‌زدایی بوده‌اند، حال چه از سر ترس و چه از هوشمندی.

معظم انقلاب، در برداشت رسانه‌ای از این استفتا، دو اشتباه رخ داده است: یک- نسبت‌دادن یک استفتای کلی و پاسخ آن به موضوع خاص فروش خودرو و سامانه یکپارچه وزارت صمت، محل اشکال است و خوانندگان را به اشتباه می‌اندازد که گویا رهبر معظم انقلاب اسلامی، فتوا به حرام‌بودن چنین سامانه‌ای داده‌اند. ضمن اینکه اصل استفتا نیز مربوط به سال ۱۳۹۱ است. دو- در استفتای مذکور بحث حرام و خلاف شرع بودن شرایط موصوف در سؤال، مطرح نبوده

سامانه یکپارچه فروش خودرو که توسط وزارت صمت ارائه شده، ربط داده و از حرام و خلاف شرع بودن این سامانه خبر داده‌اند. استفتای مورد استناد در این مطلب، این چنین است: سؤال: آیا قرارداد پیش‌فروش کالا که در آن مشخصات و زمان تحویل کالا معلوم ولی قیمت کالا نامعلوم و بسته به قیمت زمان تحویل کالا باشد، در نظر شرع مقدس صحیح است؟ پاسخ: صحیح نمی‌باشد و بیع محقق نمی‌شود. بر همین زمینه بر اساس توضیحات دفتر استفتانات

پایگاه اطلاع‌رسانی دولت توضیحات دفتر استفتانات رهبر معظم انقلاب مبنی بر تکذیب استفتا با موضوع حرام و خلاف شرع بودن طرح یکپارچه فروش خودرو را منتشر کرد. در توضیحات دفتر استفتانات رهبر معظم انقلاب مبنی بر تکذیب استفتا با موضوع حرام و خلاف شرع بودن طرح یکپارچه فروش خودرو آمده است: «در روزهای اخیر برخی رسانه‌ها با استناد به یک استفتا از دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی، با برداشتی نادرست و غیرفقهی از این استفتا، آن را به

پایگاه اطلاع‌رسانی دولت منتشر کرد

توضیحات دفتر استفتانات رهبرانقلاب درباره برداشت غلط از یک استفتا

وعین پاسخ این است: «صحیح نمی‌باشد و بیع محقق نمی‌شود». از لحاظ فقهی، صحیح‌نبودن یک قرارداد یا بیع، به معنای حرام و خلاف شرع بودن آن نیست و حائز شرایط خاص خود است که طبق شرع مقدس، با شرایط مختلفی همچون مصالحه و رضایت طرفین معامله، قابل رفع است. بنابراین، نویسندگان گزارش‌های رسانه‌ای مذکور به علت عدم احاطه به مباحث فقهی، دچار این اشتباه شده‌اند.